

تصحیح خطای کوانتومی - بخش اول

وحید کریمی پور، دانشکده فیزیک، دانشگاه صنعتی شریف

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴

۱ مقدمه

وقتی که بیت های کلاسیک از یک کانال کلاسیک عبور می کنند همواره ممکن است دچار خطا شوند. این خطاها هنگام پردازش اطلاعات در یک کامپیوتر کلاسیک نیز می توانند رخ دهند. بنابراین لفظ کانال در این جا به یک معنای عام به کار می رود که الزاماً به معنای آن نیست که بیت یک فاصله مکانی طولانی را طی می کند. این اتفاق برای کیوبیت ها نیز می تواند رخ دهد یعنی کیوبیت ها نیز وقتی که از یک کانال کوانتومی عبور می کنند ممکن است دچار خطا شوند. یک کامپیوتر کوانتومی وقتی می تواند به خوبی کار کند که بتوانیم خطاهای ایجاد شده در کیوبیت ها را آشکار ساخته و تصحیح کنیم. این امر هم چنین برای ارسال اطلاعات کوانتومی توسط کیوبیت ها ضرورت دارد. از این به بعد لفظ کانال کلاسیک یا کانال کوانتومی را همواره به یک معنای عام به کار می بریم. چند تفاوت مهم بین خطاهای کلاسیک و کوانتومی وجود دارد و به نظر می رسد که خطاهای کوانتومی را واقعاً نمی توان آشکار و تصحیح کرد:

۱ - یک بیت کلاسیک می تواند ولتاژ یک نقطه و یا جریان عبور کننده از یک نقطه و یا مغناطش یک حوزه مغناطیسی باشد و اگر چه از نظر ماکروسکوپی کوچک است ولی از نظر میکروسکوپی هنوز از میلیارد ها اتم تشکیل شده است و امکان بروز خطا در آن بسیار کم است. در حالیکه یک کیوبیت واقعاً میکروسکوپی است و نشان دهنده حالت یک اتم یا اسپین یا یون است و براحتی می تواند دچار خطا شود.

۲ - خطای ایجاد شده در یک بیت کلاسیک یک خطای گسسته است که در آن مقدار $0(1)$ به مقدار $1(0)$ تبدیل می شود و حال آنکه خطای ایجاد شده در یک کیوبیت پیوسته است و بردار حالت بیت کوانتومی می تواند به طور پیوسته تغییر کند.

۳ - می توان یک بیت کلاسیک را مشاهده کرد و از خطای ایجاد شده در آن آگاهی یافت ولی یک بیت کوانتومی را براحتی نمی توان مشاهده کرد زیرا مشاهده آن عموماً منجر به کاهش تابع حالت و از بین رفتن حالت اولیه می شود.

۴ - و بالاخره می توان نسخه های متعددی از یک بیت کلاسیک را تهیه کرد که در صورت بروز خطا در یکی یا چند تا از آنها با استفاده از قانون اکثریت بتوان به بروز خطا در آن ها پی برد و حال آنکه بنابر قضیه عدم تکثیر *No cloning theorem* نمی توان یک حالت کوانتومی را تکثیر کرد و نسخه های متعددی از آن درست کرد.

تفاوت های بالا یا به عبارت بهتر موانع بالا در سالهای اولیه طرح نظریه کامپیوترها و اطلاعات کوانتومی باعث شده بود که عده ای فکر کنند کامپیوترهای کوانتومی یا مخابره اطلاعات کوانتومی هرگز به عمل نزدیک نخواهد شد زیر هرگز نمی توان خطاهای کوانتومی را تصحیح کرد. خوشبختانه امروزه یک نظریه کامل برای آشکارسازی و تصحیح خطاهای کوانتومی تدوین شده است که می تواند بر تمام موانع بالا غلبه کند و محاسبه و مخابره اطلاعات کوانتومی را به طوری که از خطا مصون باشد، امکان پذیر کند. هدف ما در این درس آن است که با این نظریه آشنا شویم. نخست سعی می کنیم نشان دهیم که موانع یادشده در بالا را واقعا می توان پشت سر گذاشت. این کار را با مثالهای ساده توضیح می دهیم. این مثال ها فقط اصول کلی را نشان می دهند ولی به ما نمی گویند که چگونه می توان به طور سیستماتیک کدهای تصحیح خطای کوانتومی نوشت. برای این کار ما سعی می کنیم نخست نظریه تصحیح خطای کلاسیک را یاد بگیریم و سپس از آن استفاده کنیم و چگونگی ایجاد کدهای تصحیح خطای کوانتومی را بفهمیم.

۲ چگونگی غلبه بر موانع تصحیح خطای کوانتومی - توضیحات کلی

دیدیم که خطاهای کوانتومی یک تفاوت بزرگ با خطاهای کلاسیک دارند و آن این است که این خطاها پیوسته هستند. یعنی حالت $|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle$ می تواند در اثر برهم کنش با محیط تبدیل به حالت $|\psi'\rangle = a'|0\rangle + b'|1\rangle$ شود که تنها تفاوت اندکی با حالت قبلی دارد. این تفاوت های اندک می توانند انباشته شده و باعث شوند که حالت اولیه کاملا تغییر کند. به هر حال آنچه که مهم است این است که این خطاها پیوسته هستند. می خواهیم ببینیم چگونه این خطاها را می توانیم تصحیح کنیم؟

پاسخ این است که اگر تنها بتوانیم خطاهای بیت-برگردان، فازبرگردان و بیت-فاز-برگردان یعنی خطاهای پاولی را اصلاح کنیم آنگاه هر نوع خطایی حتی خطاهای پیوسته را نیز می توانیم اصلاح کنیم. برای فهم این موضوع یک کیوبیت را در نظر بگیرید که در حالت $|\psi\rangle$ قرار گرفته است. در ابتدا این کیوبیت و محیط اطرافش در حالت $|\psi\rangle|e\rangle$ قرار گرفته اند. دقت کنید که همواره می توان محیط را آنقدر بزرگ گرفت که کیوبیت و محیط آن در یک حالت خالص قرار بگیرند. حال در اثر برهم کنش محیط و کیوبیت که با یک عملگر یکانی مشخص می شود حالت کیوبیت و محیط به ترتیب زیر تغییر می کند:

$$|\psi\rangle|e\rangle \longrightarrow U(|\psi\rangle|e\rangle) \quad (1)$$

عملگر U روی کیوبیت و محیط اثر می کند. می توان آن را روی فضای دو بعدی کیوبیت بسط داد. عملگرهای پاولی و عملگر واحد یک پایه

برای تمام ماتریس ها یا عملگرهای فضای دوبعدی کیوبیت می سازند و بنابراین می توان نوشت:

$$U = I \otimes U_0 + X \otimes U_1 + Y \otimes U_2 + Z \otimes U_3, \quad (2)$$

که در آن عملگرهای U_i عملگرهایی هستند که روی محیط اثر می کنند و نه متعامدند نه بهنجار. در واقع هیچ شرط ویژه ای روی این عملگرها نیست به جز این که در حالت کلی ما هیچ اطلاعی در باره آنها نداریم. عملگرهای پاولی نیز این ها هستند که عملگر I را هم جزء آنها قرار داده ایم که یک پایه کامل برای عملگرهای فضای یک کیوبیت تشکیل دهند:

$$I = \begin{pmatrix} 1 & 0 \\ 0 & 1 \end{pmatrix}, \quad X = \begin{pmatrix} 0 & 1 \\ 1 & 0 \end{pmatrix}, \quad Y = \begin{pmatrix} 0 & 1 \\ -1 & 0 \end{pmatrix}, \quad Z = \begin{pmatrix} 1 & 0 \\ 0 & -1 \end{pmatrix}, \quad (3)$$

دقت کنید که تعریف ما از Y با تعریف متعارف تفاوت دارد. این تفاوت هم بدلیلی که خواهیم دید اهمیت ندارد. به این ترتیب حالت کیوبیت و محیط به ترتیب زیر تغییر می کند:

$$\begin{aligned} |\psi\rangle \otimes |e\rangle &\longrightarrow I|\psi\rangle \otimes U_0|e\rangle + X|\psi\rangle \otimes U_1|e\rangle + Y|\psi\rangle \otimes U_2|e\rangle + Z|\psi\rangle \otimes U_3|e\rangle \\ &\equiv I|\psi\rangle \otimes |e_0\rangle + X|\psi\rangle \otimes |e_1\rangle + Y|\psi\rangle \otimes |e_2\rangle + Z|\psi\rangle \otimes |e_3\rangle, \end{aligned} \quad (4)$$

که در آن حالت های چهارگانه بالا برای محیط نه بهنجار هستند و نه متعامد. در واقع هیچ گونه اطلاع خاصی از این حالت ها نداریم. در واقع هیچ گونه کنترلی نیز روی این حالت ها نداریم زیرا هیچ گونه کنترلی نیز روی محیط نداریم. ما فقط می توانیم روی حالت کیوبیت اندازه گیری انجام دهیم و آن را کنترل کنیم و در صورت لزوم اصلاح کنیم. حال اگر حالت های چهارگانه بر یکدیگر عمود باشند می توانیم با یک اندازه گیری آنها را از هم تمیز دهیم و تعیین کنیم که چه نوع خطایی روی حالت اولیه رخ داده و آن را با اعمال عملگر وارون مناسب به حالت اولیه برگردانیم

$$|\psi\rangle, \quad X|\psi\rangle, \quad Y|\psi\rangle, \quad Z|\psi\rangle. \quad (5)$$

برای یک کیوبیت اگر آن را کد نکنیم البته چنین اتفاقی نمی افتد. تمام نکته کدهای کوانتومی این است که چگونه حالت یک کیوبیت را کد کنیم تا حالت های فوق برهم عمود باشند و بتوانیم آن ها را از هم تمیز دهیم. اگر بتوانیم این کار را بکنیم در واقع می توانیم بگوییم که روی حالت اولیه یا خطای I اتفاق افتاده است یا خطای X یا خطای Y یا خطای Z . بنابراین اثر عملگر پیوسته U و خطای پیوسته آن تبدیل به چهار خطای گسسته شده است. تمام پیوستگی U به حالت های $|e_i\rangle$ و در واقع به احتمال وقوع خطاهای گسسته چهارگانه فوق منتقل شده است، چرا که داریم:

$$P(I) = \langle e_0|e_0\rangle, \quad P(X) = \langle e_1|e_1\rangle, \quad P(Y) = \langle e_2|e_2\rangle, \quad P(Z) = \langle e_3|e_3\rangle. \quad (6)$$

البته خطا می تواند روی دو کیوبیت یا بیشتر رخ دهد ولی در صورتی که کیوبیت ها به خوبی از اثر محیط محافظت شوند احتمال خطا روی دو کیوبیت از خطا روی یک کیوبیت کمتر است و همین طور احتمال خطا روی تعداد بیشتری از کیوبیت ها ناچیز خواهد بود. هرگاه خطا روی دو کیوبیت اثر کند باز هم می توانیم عملگر کلی خطا را برحسب عملگرهای پایه روی فضای هیلبرت دو کیوبیت بسط دهیم و بنویسیم:

$$U = \sum_{i,j=0}^3 \sigma^i \otimes \sigma^j \otimes U_{ij}, \quad (7)$$

$$U|\psi\rangle|e\rangle = \sum_{i,j=0}^3 (\sigma^i \otimes \sigma^j)|\psi\rangle \otimes |e_{ij}\rangle \quad (8)$$

که به این معناست که بار هم یک خطای کلی دو کیوبیتی به خطاهای گسسته پاولی تجزیه می شود. در کلی ترین حالت، یک خطا حاصل ضرب عملگرهای مختلف پاولی در کیوبیت های مختلف است.

در انتها باید از خود بپرسیم که چرا تنها کافی است که خطاهای X و Z را تصحیح کنیم و نه خطای Y را؟ برای پاسخ به این سوال فرض کنید که کدی نوشته شده که خطای X و Z را مثلا در یک کیوبیت معین تصحیح کند. در این صورت می دانیم که اگر $|\psi\rangle$ یک حالت در فضای کد باشد آنگاه حالت های

$$|\psi\rangle, \quad X|\psi\rangle, \quad Z|\psi\rangle$$

بر هم دو به دو عمودند. معنای این حرف این است که روابط زیر برقرارند:

$$\langle\psi|X|\psi\rangle = 0, \quad \langle\psi|Z|\psi\rangle = 0, \quad \langle\psi|XZ|\psi\rangle = 0 \quad (9)$$

اما از آنجا که منهای یک فاز کلی روابط

$$XY = Z, \quad XZ = Y, \quad YZ = X$$

برقرارند، پس روابط زیر هم برقرارند:

$$\langle\psi|Y|\psi\rangle = 0, \quad \langle\psi|XY|\psi\rangle = 0, \quad \langle\psi|YZ|\psi\rangle = 0. \quad (10)$$

به این ترتیب روابط (9) و (10) روی هم نشان می دهند که تمام خطاهای پاولی و در نتیجه تمام خطاهای پیوسته روی آن کیوبیت قابل تصحیح اند.

۳ مثال های ساده از کدهای کوانتومی

پس از این مقدمه می توانیم کدهای کوانتومی را مطالعه کنیم. همانطور که در مقدمه گفتیم خطاهای کوانتومی و نحوه اصلاح آنها بکلی متفاوت با خطاهای کلاسیک هستند و به همین جهت در ابتدای امر گمان می شد که کامپیوترهای کوانتومی هرگز ساخته نخواهند شد زیرا هیچ روشی برای شناسایی و اصلاح خطاهای ناگزیری که در آنها وجود دارد شناخته شده نبود. امروزه معلوم شده است که یک نظریه جامع و کامل برای آشکارسازی و اصلاح خطاهای کوانتومی وجود دارد که ساخت عملی کامپیوترهای کوانتومی را امکان پذیر می کند. اندیشه هایی که مبنای این نظریه قرار گرفته اند اساساً از همان نظریه کلاسیک الهام گرفته شده اند ولی در تدوین آنها تمام محدودیت های مکانیک کوانتومی نظیر عدم امکان اندازه

گیری های دلخواه و یا عدم امکان تکثیر حالت ها مورد ملاحظه قرار گرفته اند. کاری که ما در این بخش می کنیم آن است که نخست کدهای ساده ای را معرفی می کنیم که قادرند خطاهای معینی را آشکار و اصلاح کنند. سپس به تدریج که این کدها را بسط می دهیم اصول اساسی نظریه اصلاح خطاهای کوانتومی را نیز در یک چارچوب کلی شرح خواهیم داد.

۱.۳ اصلاح خطاهای بیت - برگردان

فرض کنید که تنها امکانی که برای خطا وجود دارد برگردان یک کیوبیت است به این معنا که در طول کانال ممکن است عملگر X (یا همان σ_x) روی یک کیوبیت اثر کند. در این صورت هرگاه یک کیوبیت در ابتدای کانال به صورت $|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle$ ارسال شده باشد، در اثر خطای احتمالی ممکن است به صورت $X|\psi\rangle = a|1\rangle + b|0\rangle$ دریافت شود.

برای آشکارسازی این نوع خطا یک راه این است که کیوبیت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر کُد کنیم:

$$|0\rangle \longrightarrow |0\rangle_E = |00\rangle, \quad |1\rangle \longrightarrow |1\rangle_E = |11\rangle, \quad (11)$$

که در آن علامت E از کلمه $Encoding$ گرفته شده است. دقت کنید که این امر نقض کننده قضیه عدم تکثیر حالت نیست، زیرا حالت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ برهم عمودند و دو حالت دلخواه نیستند. در نتیجه حالت یک کیوبیت به صورت زیر کد می شود:

$$|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle \longrightarrow |\psi\rangle_E = a|00\rangle + b|11\rangle. \quad (12)$$

این حالت ویژه بردار عملگر $Z_1 Z_2$ با ویژه مقدار یک است.

حال اگر یک خطای X_1 ، X_2 رخ دهد حالت $|\psi\rangle_E$ تبدیل به حالت های زیر می شود:

$$\begin{aligned} X_1 |\psi\rangle_E &= a|10\rangle + b|01\rangle \\ X_2 |\psi\rangle_E &= a|01\rangle + b|10\rangle \end{aligned} \quad (13)$$

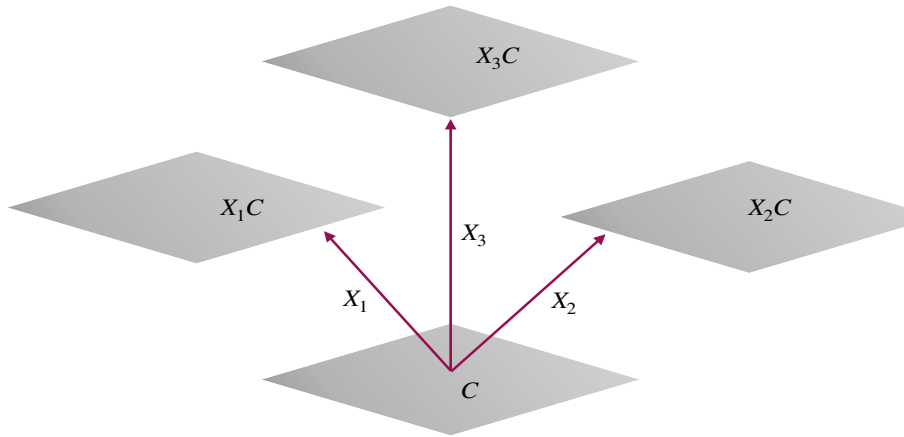
براحتی می توان این دو حالت را از حالت اولیه تشخیص داد و نتیجه گرفت که خطایی رخ داده است. این کار را با اندازه گیری مشاهده پذیر $Z_1 Z_2$ انجام می دهیم که مقدارش برای هر دو حالت بالا برابر با منهای یک است و اندازه گیری اش باعث رمبش حالت نمی شود. اما اشکال این کد این است که تنها می توان وقوع خطا را تشخیص داد ولی نمی توان آن را تصحیح کرد زیرا معلوم نیست که آیا خطای بیت برگردان در کیوبیت اول رخ داده است یا کیوبیت دوم. برای رفع این اشکال نیاز به یک کد بهتر داریم.

برای آشکارسازی و تصحیح خطای بیت برگردان کیوبیت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر کُد می کنیم:

$$|0\rangle \longrightarrow |0\rangle_E = |000\rangle, \quad |1\rangle \longrightarrow |1\rangle_E = |111\rangle, \quad (14)$$

که در آن علامت E از کلمه $Encoding$ گرفته شده است. دقت کنید که این امر نقض کننده قضیه عدم تکثیر حالت نیست، زیرا حالت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ برهم عمودند و دو حالت دلخواه نیستند. در نتیجه حالت یک کیوبیت به صورت زیر کد می شود:

$$|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle \longrightarrow |\psi\rangle_E = a|000\rangle + b|111\rangle. \quad (15)$$



شکل ۱: زیر فضای کد و زیر فضاهایی که در اثر خطا بوجود می آیند.

این حالت ویژه حالت مشترک عملگرهای Z_1Z_2 و Z_1Z_3 با مقادیر ویژه ۱ است. به عبارت دیگر

$$Z_1Z_2|\psi\rangle_E = |\psi\rangle_E, \quad Z_1Z_3|\psi\rangle_E = |\psi\rangle_E. \quad (16)$$

حال اگر یک خطای X_1 ، X_2 یا X_3 رخ دهد حالت $|\psi\rangle_E$ تبدیل به حالتی می شود که ویژه مقدارش برای عملگرهای فوق تغییر خواهد کرد.

$$\begin{aligned} I|\psi\rangle_E = a|000\rangle + b|111\rangle &\longrightarrow Z_1Z_2 = 1, \quad Z_1Z_3 = 1 \\ X_1|\psi\rangle_E = a|100\rangle + b|011\rangle &\longrightarrow Z_1Z_2 = -1, \quad Z_1Z_3 = -1 \\ X_2|\psi\rangle_E = a|010\rangle + b|101\rangle &\longrightarrow Z_1Z_2 = -1, \quad Z_1Z_3 = 1 \\ X_3|\psi\rangle_E = a|001\rangle + b|110\rangle &\longrightarrow Z_1Z_2 = 1, \quad Z_1Z_3 = -1. \end{aligned} \quad (17)$$

در روابط بالا مقادیر ویژه عملگرهای Z_1Z_2 و Z_1Z_3 را نوشته ایم. این عملگرها که مقادیر ویژه آنها خطا را آشکار می کنند نشانه های خطا^۱ نامیده می شوند. شکل (۱) به یک ویژگی مهم اشاره می کند و آن اینکه زیر فضای کد یعنی C در اثر خطاهای متفاوت به زیر فضاهای متعامد نگاشته می شود و در نتیجه می توان با تعیین اینکه در کدام زیر فضا هستیم به خطای ایجاد شده پی برد.

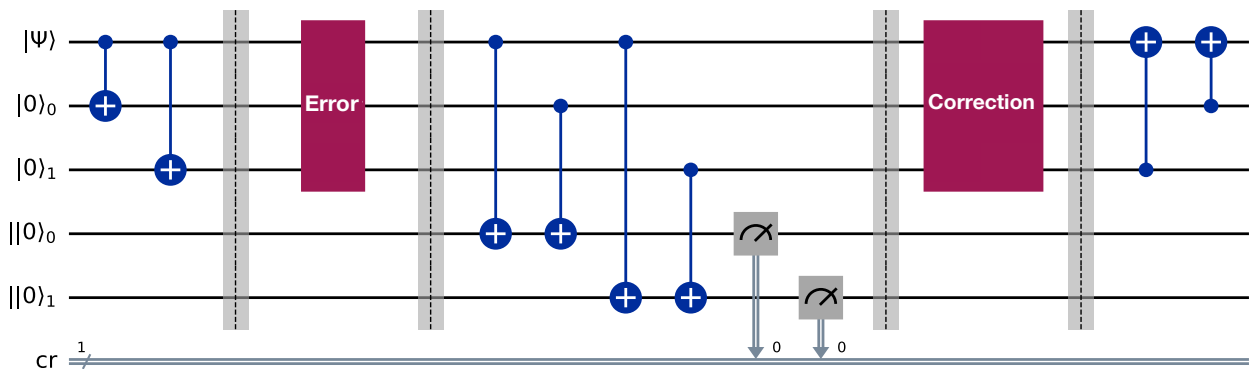
■ تمرین: کد زیر را در نظر بگیرید:

$$a|0\rangle + b|1\rangle \longrightarrow a|00\rangle + b|11\rangle. \quad (18)$$

نشان دهید که این کد می تواند خطاهای بیت برگردان را تشخیص دهد ولی نمی تواند آنها را تصحیح کند. این ضعف را به ویژگی زیر فضای کد و زیر فضاهایی که در اثر ایجاد خطا پدیدار می شوند ربط دهید.

نکته مهم آن است که حالت دچار خطاشده همچنان ویژه بردار عملگرهای Z_1Z_2 و Z_1Z_3 باقی می ماند بنابراین اندازه گیری این دو عملگر باعث فروکاهش تابع موج نمی شود. بعد از اینکه معلوم شد خطای بیت برگردان در چه نقطه ای صورت گرفته است می توان با اعمال عملگر

^۱Error Syndrome



شکل ۲: مداری که کد کردن یک کیوبیت در سه کیوبیت را در سمت چپ نشان می دهد. در وسط نشانه های خطا اندازه گیری شده و در سمت راست نیز خطای آشکار شده تصحیح می شود. پایین ترین خط نشان دهنده بیت های کلاسیک است که نتایج اندازه گیری را به مدار تصحیح کننده منتقل می کنند.

تصحیح کننده خطا را اصلاح کرد. در این جا با چند سوال مواجه می شویم.

۱: چگونه می توان با یک مدار کوانتومی کد 11 را ایجاد کرد؟

۲: چگونه می توان عملگرهای نشانه ی خطا را اندازه گرفت؟ چگونه می توان این کار را به صورت منظمی انجام داد؟

پاسخ سوال اول بسیار ساده است. این کار را می توان با استفاده از عملگر $CNOT$ انجام داد. از این به بعد برای یک عملگر $CNOT$ که بیت کنترلی اش i و بیت هدف اش j است، نماد C_{ij} را به کار می بریم. در نتیجه خواهیم داشت:

$$C_{12}C_{13}(a|0\rangle + b|1\rangle)|00\rangle = a|000\rangle + b|111\rangle. \quad (19)$$

برای سوال دوم نیز بهترین کار آن است که اطلاعات مربوط به نشانه های خطا در کیوبیت های جداگانه ای نوشته شود. این کیوبیت ها اصطلاحاً کیوبیت های خدمتکار^۲ نامیده می شوند. برای این کار باز هم از عملگر $CNOT$ استفاده می کنیم. فرض کنید که یک بیت خدمتکار را در حالت $|0\rangle$ نگاه داشته باشیم. می خواهیم کاری کنیم که اگر در بیت های اول و دوم کد یک بیت برگردانده شده باشد، مقدار این بیت خدمتکار به یک تغییر کند. کافی است که به رابطه زیر یا شکل (۲) توجه کنیم:

$$C_{1a}C_{2a}|ij\rangle|0\rangle_a = |ij\rangle|i+j\rangle_a. \quad (20)$$

در این جا نماد a برای بیت خدمتکار بکار می رود. بنابراین اگر i و j با هم مساوی باشند، مقدار بیت خدمتکار برابر با صفر و در غیر این صورت

^۲Ancilla qubit

برابر با یک خواهد بود. مدار شکل (۴۴) نشان می دهد که چگونه کد کردن یک حالت یک کیوبیتی در سه کیوبیت انجام می شود و چگونه نشانه های خطا اندازه گیری شده و خطای آشکار شده تصحیح می شود.

از این مثال می توان به چند نکته اساسی که در همه کد های کوانتومی وجود دارد پی برد.

نکته اول: فضای برداری حالت های n کیوبیت یک فضای 2^n بعدی است که آن را با $V = C_2^{\otimes n}$ نشان می دهیم که در آن فضای C_2 ، یک فضای دوبعدی مختلط با بردارهای پایه $|0\rangle$ و $|1\rangle$ است. یک کد چیزی نیست جز انتخاب یک زیر فضای مناسب از این فضا که آن را با $C \subset V$ نمایش می دهیم. هرگاه این زیرفضا دارای بعد 2^k باشد می گوئیم کد مربوطه برای نوشتن k کیوبیت در n کیوبیت به کار رفته است. در حالت کلی کد کردن به صورت زیر است:

$$|\psi\rangle = \sum_{x=0}^{2^k-1} \psi_x |x\rangle \longrightarrow |\psi\rangle_E = \sum_{x=0}^{2^k-1} \psi_x |x\rangle_E, \quad (21)$$

که در آن $\{|x\rangle_E\}$ پایه ای برای زیر فضای C از V است. در مثالی که در بالا ارایه کردیم فضای V یک فضای ۸ بعدی است و زیر فضایی که انتخاب کرده ایم یک فضای دوبعدی است. بنابراین کدی نوشته ایم که یک کیوبیت را در سه کیوبیت می نویسد.

نکته دوم: برای تشخیص نشانه های خطا از بیت های خدمتکار استفاده کرده ایم. در حالت کلی اگر در طول راه، روی حالت $|\psi\rangle_E$ عملگر خطای E_i اثر کرده باشد، مدار تشخیص خطا (در مقصد) کار زیر را انجام می دهد:

$$E_i |\psi\rangle_E |0\rangle_a \longrightarrow E_i |\psi\rangle_E |s_i\rangle_a, \quad (22)$$

که در آن s_i نشانه خطای E_i است. دقت کنید که اطلاعاتی که در بیت های خدمتکار نوشته شده است تنها مربوط به نوع خطاست و هیچ اطلاعاتی از حالت $|\psi\rangle$ در این بیت ها نوشته نشده است. بنابراین اندازه گیری این بیت ها تنها نوع خطا را مشخص می کند و نه خود حالت را به همین جهت همدوسی حالت دست نخورده باقی می ماند. پس از تعیین نوع خطا عملگر E_i^\dagger که خنثی کننده خطاست روی حالت اثر داده می شود.

نکته سوم: هر کدی که می نویسیم تنها قادر است مجموعه ای از خطاها را خنثی کند. این مجموعه را خطاهای قابل تصحیح توسط کد می نامیم و با $\mathcal{E}_C = \{E_1, E_2, \dots\}$ نمایش می دهیم. به عنوان مثال کدی که در بالا نوشته ایم تنها قادر است خطاهای تک بیتی $\{X_1, X_2, X_3\}$ را خنثی می کند.

نکته چهارم: این کد، همانطور که قبلا گفتیم یک زیر فضای مشخص از فضای مربوط به سه کیوبیت است. این زیر فضای دو بعدی زیر فضایی است با ویژه مقادیرهای یک برای دو عملگر $Z_1 Z_2$ و $Z_1 Z_3$. به اصطلاح این زیرفضا توسط این دو عملگر پایدار می شود. این دو عملگر را عملگرهای پایدار ساز یا *Stabilizer* های مربوط به این زیر فضا می خوانیم. در واقع می توان این زیر فضا را به این صورت تعریف کرد که زیر فضایی است که توسط این دو عملگر پایدار می شود.

توجه به یک نکته در این جا مهم است و آن اینکه عملگر $Z_2 Z_3$ نیز یک عملگر پایدار ساز برای این زیر فضاست ولی مستقل از دو عملگر قبلی

نیست. در واقع مجموعه عملگرهایی که یک زیر فضا را پایدار نگاه می دارند یک گروه تشکیل می دهد که به آن گروه پایدار ساز می گویند. در این جا گروه پایدار ساز عبارت است از

$$S = \{Z_1Z_2, Z_1Z_3, Z_2Z_3, I\} \quad (23)$$

■ تمرین: ثابت کنید که مجموعه عملگرهای مربوط به یک زیر فضا تشکیل یک گروه می دهند.

■ تمرین: زیر فضایی را که توسط دو عملگر Z_1Z_2 و Z_1Z_3 پایدار می شود بدست آورید. فرض کنید که کل فضا مربوط به سه کیوبیت است. حال فرض کنید که کل فضا مربوط به چهار کیوبیت است و زیر فضایی را به دست آورید که توسط عملگرهای Z_1Z_2 ، Z_2Z_3 و Z_3Z_4 پایدار می شود.

■ تمرین: زیر فضایی را که توسط دو عملگر X_1X_2 و X_1X_3 پایدار می شود بدست آورید. فرض کنید که کل فضا مربوط به سه کیوبیت است. حال فرض کنید که کل فضا مربوط به دو کیوبیت است و زیر فضایی را بدست آورید که توسط عملگرهای X_1X_2 ، Z_1Z_2 پایدار می شود.

پس از این تمرین ها به توضیح نکته چهارم بازمی گردیم. در این کد خطاهایی که روی کیوبیت رخ می دهد سه نوع عملگر پاولی X_1, X_2, X_3 هستند. این خطاها با عملگرهای پایدار ساز جابجا نمی شوند، بلکه با بعضی از آنها جابجا و با بعضی از آنها پاد جابجا می شوند و دقیقاً همین رابطه پادجایبی است که ویژه مقادیر عملگرهای پایدارکننده را از یک به منهای یک تبدیل می کند و باعث می شود که ما بتوانیم وقوع خطا را تشخیص بدهیم. فرض کنید که S یک عملگر پایدار ساز و E یک خطاست که با S پادجایبی می شود. هرگاه $|\psi\rangle$ یک حالت متعلق به کد باشد بنابر تعریف می دانیم که

$$S|\psi\rangle = |\psi\rangle, \quad \longrightarrow \quad S(E|\psi\rangle) = -E(S|\psi\rangle) = -E|\psi\rangle. \quad (24)$$

بنابراین وقتی که یک خطای E رخ می دهد تمام عملگرهای پایدارسازی که با E پادجایبی می شوند ویژه مقدارشان از یک به منهای یک تغییر می کند. جدول زیر رابطه جابجایی عملگرهای خطا و سندروم های خطا را نشان می دهد. علامت مثبت به معنای جابجایی و علامت منفی به معنای پادجایبی است.

X_3	X_2	X_1	I	
+	-	-	+	Z_1Z_2
-	+	-	+	Z_1Z_3

همانطور که از جدول بالا پیداست، سندروم های مربوط به خطا ها همه با هم متفاوت اند و همین موضوع باعث تمیز دادن خطاها و در نتیجه تصحیح آنها می شود. در بخش بعدی یک کد کوانتومی خواهیم ساخت که خطاهای فاز-برگردان را تصحیح می کند.

۲.۳ اصلاح خطاهای فاز - برگردان

حال فرض کنید که تنها امکانی که برای خطا وجود دارد برگردان فاز یک کیوبیت است به این معنا که در طول کانال ممکن است عملگر Z (یا همان σ_z) روی یک کیوبیت اثر کند. در این صورت هرگاه یک کیوبیت در ابتدای کانال به صورت $|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle$ ارسال شده باشد، در اثر خطای احتمالی ممکن است به صورت $X|\psi\rangle = a|0\rangle - b|1\rangle$ دریافت شود. برای آشکارسازی این نوع خطا کیوبیت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر کُد می کنیم:

$$|0\rangle \longrightarrow |0\rangle_E = |+++ \rangle, \quad |1\rangle \longrightarrow |1\rangle_E = |-- \rangle, \quad (25)$$

که در آن علامت E از کلمه *Encoding* گرفته شده است. در نتیجه حالت یک کیوبیت به صورت زیر کد می شود:

$$|\psi\rangle = a|0\rangle + b|1\rangle \longrightarrow |\psi\rangle_E = a|+++ \rangle + b|-- \rangle. \quad (26)$$

این حالت ویژه حالت مشترک عملگرهای X_1X_2 و X_1X_3 با مقادیر ویژه ۱ است. به عبارت دیگر

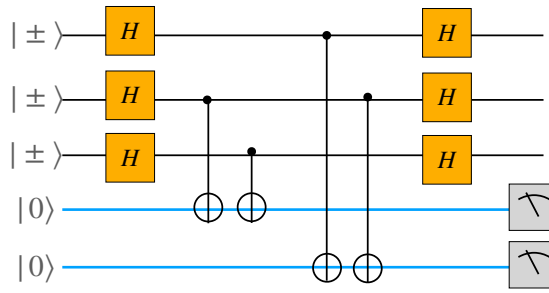
$$X_1X_2|\psi\rangle_E = |\psi\rangle_E, \quad X_1X_3|\psi\rangle_E = |\psi\rangle_E. \quad (27)$$

حال اگر یک خطای Z_1 ، Z_2 یا Z_3 رخ دهد حالت $|\psi\rangle_E$ تبدیل به حالتی می شود که ویژه مقدارش برای عملگرهای فوق تغییر خواهد کرد.

$$\begin{aligned} I|\psi\rangle_E = a|+++ \rangle + b|-- \rangle &\longrightarrow X_1X_2 = 1, \quad X_1X_3 = 1 \\ Z_1|\psi\rangle_E = a| - ++ \rangle + b| + -- \rangle &\longrightarrow X_1X_2 = -1, \quad X_1X_3 = -1 \\ Z_2|\psi\rangle_E = a| + - + \rangle + b| - + - \rangle &\longrightarrow X_1X_2 = -1, \quad X_1X_3 = 1 \\ Z_3|\psi\rangle_E = a| + + - \rangle + b| - - + \rangle &\longrightarrow X_1X_2 = 1, \quad X_1X_3 = -1. \end{aligned} \quad (28)$$

در روابط بالا مقادیر ویژه عملگرهای X_1X_2 و X_1X_3 را نوشته ایم. این عملگرها که مقادیر ویژه آنها خطا را آشکار می کنند نشانه های خطا^۳ نامیده می شوند. نکته مهم آن است که حالت دچار خطاشده همچنان ویژه بردار عملگرهای X_1X_2 و X_1X_3 باقی می ماند بنابراین اندازه گیری این دو عملگر باعث فروکاهش تابع موج نمی شود. بعد از اینکه معلوم شد خطای بیت برگردان در چه نقطه ای صورت گرفته است می توان با اعمال عملگر تصحیح کننده خطا را اصلاح کرد. شکل (۳) مداری را نشان می دهد که تشخیص می دهد آیا در حالت کد شده ی $|\psi\rangle = a|+++ \rangle + b|-- \rangle$ یک خطای فاز-برگردان رخ داده است یا نه. در ابتدا این مدار با عملگرهای هادامارد، حالت های ورودی مثل $|+++ \rangle$ یا $|-- \rangle$ را به پایه محاسباتی می برد و سپس در آنجا با استفاده از همان مداری که برای تشخیص خطاهای بیت برگردان شرح دادیم، تشخیص می دهد که در کدام یک از بیت ها خطای بیت برگردان رخ داده و در انتها نیز پایه محاسباتی را به پایه $\{|+\rangle, |-\rangle\}$ باز می گرداند.

^۳Error Syndrome



شکل ۳: یک مدار ساده که مداری که خطای فاز-برگردان را تشخیص می دهد.

■ تمرین: گروه پایدار ساز این کد را مشخص کنید. جدول روابط جابجایی خطاها و سندروم های خطاها را بسازید. مداری که کدگذاری را انجام می دهد و هم چنین مداری که سندروم های خطا را شناسایی می کند بسازید.

دیدیم که کدی که برای تصحیح خطای بیت-برگردان می نویسیم با کدی که برای تصحیح خطای فاز-برگردان می نویسیم متفاوت است. بنابراین هرکدام از این کدها یک نوع خطا را تصحیح می کنند. حال سوال مهمی که پیش روی ماست این است که چه نوع کدی می تواند هر دو نوع خطا را تصحیح کند؟ به این سوال در بخش بعد پاسخ می دهیم. کدی که این کار را می کند کد شر *ShorCode* نامیده می شود و توسط پیتر شر *PeterShor* ساخته شده است.

۳.۳ کد ۹ کیوبیتی شر - اصلاح خطاهای فاز و بیت - برگردان

حال فرض کنید که تنها امکانی که برای خطا وجود دارد برگردان یک کیوبیت یا برگردان فاز آن کیوبیت است. یعنی خطا می تواند از نوع X یا Z باشد. واضح است که کدهای ساده قبلی نمی توانند هر دو نوع خطا را آشکار کنند. هم چنین انتظار داریم که کدی که برای آشکارسازی این نوع خطاها ساخته می شود از تعداد بیشتری کیوبیت استفاده کند. برای آشکارسازی این نوع خطاها می توان به نوعی کدهای قبلی را با هم ترکیب کرد. این ترکیب به شکل زیر صورت می گیرد. حالت های $|+\rangle$ و $|-\rangle$ را به صورت زیر تعریف می کنیم:

$$|+\rangle = \frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle + |111\rangle), \quad |-\rangle = \frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle - |111\rangle). \quad (29)$$

حال کیوبیت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر کد می کنیم.

$$|0\rangle \longrightarrow |0\rangle_E = |+++\rangle, \quad |1\rangle \longrightarrow |1\rangle_E = |--\rangle. \quad (30)$$

به عبارت دیگر هر کیوبیت به ۹ کیوبیت کد می شود. به زبان کلاسیک نرخ این کد $\frac{1}{9}$ است که نرخ پایینی است ولی این بهایی است که برای تصحیح خطای کوانتومی باید بپردازیم. در واقع همانطور که بعدا نشان خواهیم داد این کد نه تنها خطاهای X و Z بلکه هر نوع خطایی حتی خطاهای پیوسته را می تواند تصحیح کند و با توجه به این مطلب بهایی که برای این تصحیح خطا پرداخته ایم قابل توجیه است. اما چگونه این کد خطاهای یادشده را تصحیح می کند؟ این کد از ۹ کیوبیت تشکیل شده است که در سه بلوک سه تایی مرتب شده اند. می خواهیم نشان دهیم

که این کد خطاهای X_1 تا X_9 و هم چنین خطاهای Z_1 تا Z_9 را تصحیح می کند. نخست ببینیم که این کد توسط چه عملگرهایی پایدار می شود. عملگرهای زیر را در نظر بگیرید:

$$X_I = X_1 X_2 X_3, \quad X_{II} = X_4 X_5 X_6, \quad X_{III} = X_7 X_8 X_9. \quad (31)$$

■ تمرین: الف: ثابت کنید که عملگرهای زیر کد شر را پایدار می کنند:

$$\{X_I X_{II}, X_I X_{III}, Z_1 Z_2, Z_1 Z_3, Z_4 Z_5, Z_4 Z_6, Z_7 Z_8, Z_7 Z_9\}. \quad (32)$$

ب: نشان دهید که همه این عملگرها با هم جابجا می شوند. سپس نشان دهید که خطاهای X_1 تا X_9 هرکدام روابط پادجابجایی متفاوتی با پایدارکننده های فوق دارند و در نتیجه می توان با اندازه گیری این سندروم ها همه این خطاها را از هم تمیز داد و آنها را تصحیح کرد.

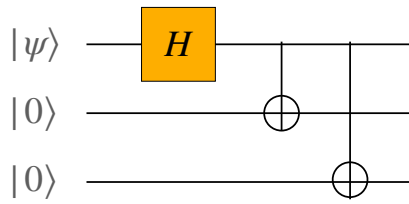
پ: سپس نشان دهید که خطاهای فاز برگردانی که در هر بلوک رخ می دهد نیز سندروم های متفاوت دارند و قابل تشخیص و تصحیح هستند. دقت کنید که یک بلوک مثل بلوک یک، چندین خطای فازبرگردان مثل Z_1, Z_2, Z_3 دارد که در ظاهر متفاوت اند ولی اثرشان یکی است.

ت: مداری که عمل کد کردن را انجام می دهد رسم کنید. هم چنین مداری که سندروم ها را اندازه گیری می کند رسم کنید.

به این ترتیب کد شر می تواند هر نوع خطای بیت برگردان X یا Z را در هر کدام از ۹ کیوبیت کد تمیز داده و اصلاح کند. هر وقت که علامت های خطاهای X_i و Z_i با هم روشن شوند به این معناست که خطای Y_i رخ داده است. پس به این ترتیب کد شر می تواند خطاهای X_i و Z_i را در تمام کیوبیت ها تشخیص داده و آنها را تصحیح کند.

حال باید نشان دهیم که کد شر با چه مدار کوانتومی ساخته می شود، با چه مدار کوانتومی خطاهای رخ داده در آن آشکار می شود و چگونه در نهایت حالت کد شده در ۹ کیوبیت به حالت اولیه یک کیوبیتی بازگردانده می شود. نخست به تولید این کد می پردازیم. براحتی معلوم می شود که مدار نشان داده شده در شکل (۵) کد شر را می سازد. نخست توجه می کنیم که مدار شکل (۴) تبدیل زیر را انجام می دهد:

$$\begin{aligned} |0\rangle &\rightarrow \frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle + |111\rangle) =: |+\rangle \\ |1\rangle &\rightarrow \frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle - |111\rangle) =: |-\rangle. \end{aligned} \quad (33)$$

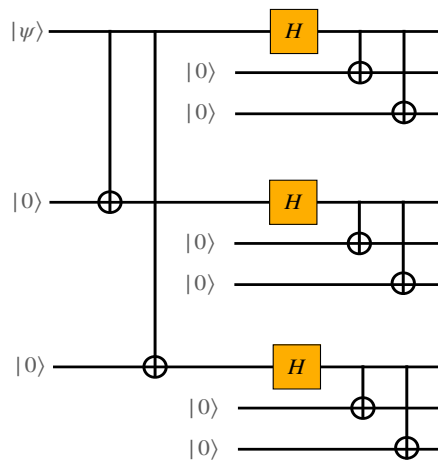


شکل ۴: یک مدار ساده که تبدیل (۳۳) را انجام می دهد.

در نتیجه مدار نهایی نشان داده شده در (۵) تبدیل زیر را انجام می دهد:

$$\begin{aligned}
 |0\rangle &\longrightarrow |000\rangle \longrightarrow |+, +, +\rangle = \left(\frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle + |111\rangle)\right)^{\otimes 3} \\
 |1\rangle &\longrightarrow |111\rangle \longrightarrow |-, -, -\rangle = \left(\frac{1}{\sqrt{2}}(|000\rangle - |111\rangle)\right)^{\otimes 3}.
 \end{aligned}
 \tag{۳۴}$$

که همان کاری است که باید مطابق کد شر انجام دهد.



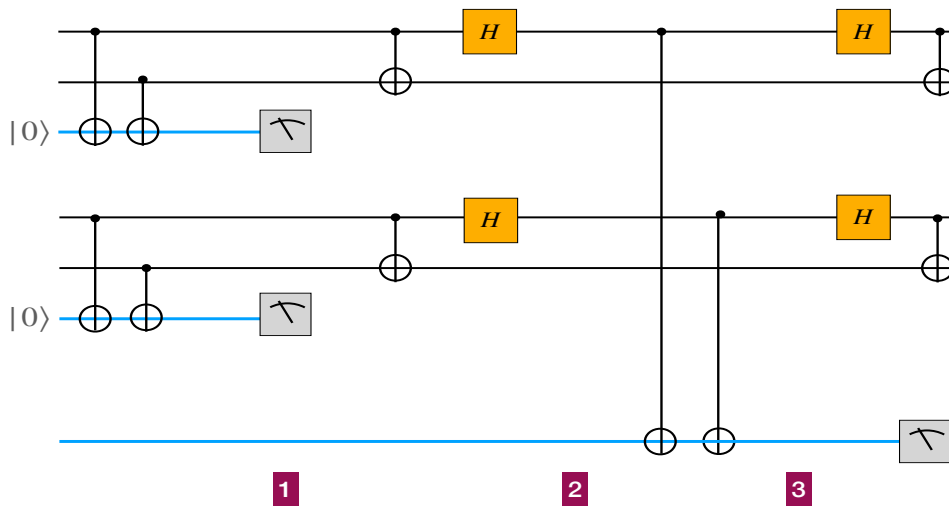
شکل ۵: مداری که کد شر را می سازد.

حال به مداری می پردازیم که باید خطاهای رخ داده در کد شر را تشخیص دهد. می دانیم که این کد قرار است که خطاهای تک کیوبیتی بیت-برگردان^۴ و فاز برگردان^۵ را تشخیص دهد و اصلاح کند. برای اینکه مدار خیلی بزرگی رسم نکنیم، ایده اصلی را با یک مدار ساده که مربوط به کد ساده تری است توضیح می دهیم. این کد حالت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر، یعنی درست به همان حالتی که در کد شر وجود

^۴ bit flip
^۵ phase flip

دارد، کد می کند، با این تفاوت که به جای سه بلوک سه تایی، دو بلوک دو تایی در نظر گرفته ایم تا با مدار ساده تری سروکار داشته باشیم:

$$\begin{aligned} |0\rangle &\rightarrow |\bar{0}\rangle \equiv \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle + |11\rangle) \otimes \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle + |11\rangle) \\ |1\rangle &\rightarrow |\bar{1}\rangle := \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle - |11\rangle) \otimes \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle - |11\rangle). \end{aligned} \quad (35)$$



شکل ۶: مداری که خطاهای ایجاد شده در کد شُر را آشکار می کند. در این جا برای سادگی دو بلوک دو تایی در نظر گرفته شده است.

در مرحله ۱ از شکل (۶) اندازه گیری ها تشخیص می دهند که آیا در هر کدام از بلوک ها یک خطای بیت-برگردان رخ داده است یا نه. مراحل ۲ و ۳ مدار برای تشخیص یک خطای فاز است. فرض کنید که حالتی مثل $|\bar{0}\rangle$ دچار یک خطای فاز-برگردان شده و تبدیل به حالت

$$|\bar{0}\rangle \equiv \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle + |11\rangle) \otimes \frac{1}{\sqrt{2}}(|00\rangle - |11\rangle)$$

شود. در این صورت در مرحله ۲ و بعد از گذشتن از عملگرهای *CNOT* مرحله دوم، این حالت تبدیل می شود به

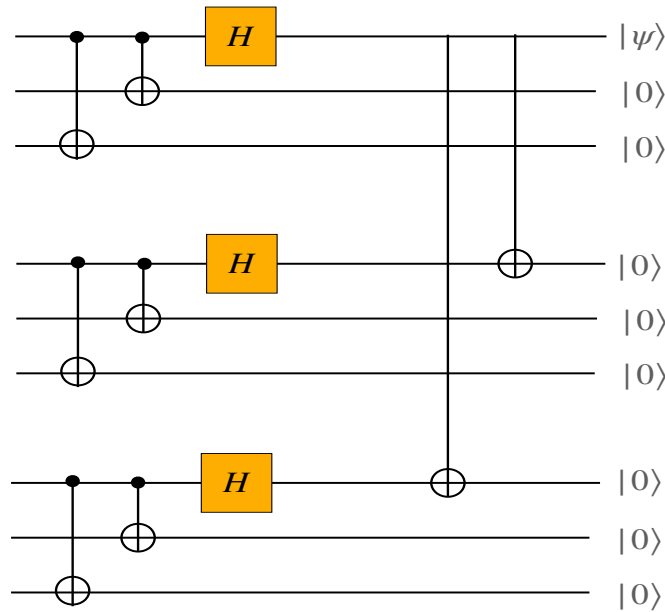
$$(|+\rangle|0\rangle) \otimes (|-\rangle \otimes |0\rangle) \quad (36)$$

و بعد از اثر عملگرهای هادامارد، این حالت تبدیل می شود به

$$|00\rangle \otimes |10\rangle.$$

دو عملگر *CNOT* بعدی می توانند تشخیص دهند که آیا بیت های اول مثل هم هستند یا نه و خطا را مشخص کنند. عملگرهای هادامارد بعدی و هم چنین عملگرهای *CNOT* برای این هستند که حالت را به شکل اول برگردانند.

طبیعی است که در مقصد بعد از این که اصلاح خطاها انجام شد، باید کد ۹ کیوبیتی شُر را به یک کیوبیت بازگردانیم و این کار با معکوس مدار کد کننده (۵) انجام می شود. این مدار چیزی نیست جز همان مدار کد کننده که باید از راست به چپ عمل کند. این مدار در شکل (۷) نشان داده شده است.



شکل ۷: مداری که حالت کد شده شُر را به حالت اولیه بازمی گرداند، دقیقاً وارون علمگری است که کد شُر را ایجاد می کند.

با این مثال ها اکنون قانع شده ایم که می توان بر موانع اساسی تصحیح خطای کوانتومی غلبه کرد. کد شُر اگرچه تمام خطاهای یک کیوبیتی را تصحیح می کند ولی این عیب را دارد که از $n = 9$ کیوبیت برای کد کردن $k = 1$ کیوبیت منطقی استفاده می کند. به عبارت دیگر نرخ کد کردن برای کد شُر برابر است با $R := \frac{k}{n} = \frac{1}{9}$. سوال طبیعی این است که آیا می توان کدهای بهتری ابداع کرد که نرخ آنها بیشتر باشد؟ سوال های دیگری نیز مطرح هستند: مثلاً تا چه حدی میتوان نرخ را افزایش داد؟ چه رابطه ای بین نرخ و توانایی یک کد برای تصحیح خطا وجود دارد؟ این ها و سوالات بنیادی دیگر را تنها در پرتو یک نظریه کامل تصحیح خطای کوانتومی می توان پاسخ گفت. سعی می کنیم که در ادامه این درس و در درس بعدی به این سوال ها پاسخ بدهیم.

۴ نظریه کلی اصلاح خطاهای کوانتومی

پس از این مثال ها می توانیم به روش منظم تری کدهای کوانتومی را مطالعه کنیم. همانطور که در مقدمه گفتیم خطاهای کوانتومی و نحوه اصلاح آنها بکلی متفاوت با خطاهای کلاسیک هستند و به همین جهت در ابتدای امر گمان می شد که کامپیوترهای کوانتومی هرگز ساخته نخواهند شد زیرا هیچ روشی برای شناسایی و اصلاح خطاهای ناگزیری که در آنها وجود دارد شناخته شده نبود. امروزه معلوم شده است که یک نظریه جامع و کامل برای آشکارسازی و اصلاح خطاهای کلاسیک وجود دارد که ساخت عملی کامپیوترهای کوانتومی را امکان پذیر می کند. اندیشه هایی که مبنای این نظریه قرار گرفته اند اساساً از همان نظریه کلاسیک الهام گرفته شده اند ولی در تدوین آنها تمام محدودیت های مکانیک کوانتومی نظیر عدم امکان اندازه گیری های دلخواه و یا عدم امکان تکثیر حالت ها مورد ملاحظه قرار گرفته اند. کاری که ما در این بخش می کنیم آن است

که نخست کدهای ساده‌ای را معرفی می‌کنیم که قادرند خطاهای معینی را آشکار و اصلاح کنند. سپس به تدریج که این کدها را بسط می‌دهیم اصول اساسی نظریه اصلاح خطاهای کوانتومی را نیز در یک چارچوب کلی شرح خواهیم داد.

می‌دانیم که فضای هیلبرت یک کیوبیت یک فضای دوبعدی مختلط است که آن را با C_2 نشان می‌دهیم. فضای هیلبرت n کیوبیت را با C_2^n نشان می‌دهیم. می‌دانیم که بعد این فضا برابر است با 2^n . این فضا برای کد کردن n کیوبیت جا دارد ولی اگر این کار را بکنیم براحتی حالت‌ها به هم تبدیل می‌شوند، آنهم توسط خطاهای با وزن یک، یعنی خطاهایی که تنها بر یک کیوبیت اثر می‌گذارند و محتمل‌ترین خطاها هستند. مشابه با حالت کلاسیک که تنها از تعداد کمی از نقاط موجود در فضای Z_2^n برای کد کردن کلمه‌ها استفاده می‌کردیم، در این جا هم برای کد کردن حالت‌های کیوبیت‌ها از یک زیر فضای کم بعد از C_2^n استفاده می‌کنیم. این زیر فضا را فضای کد یا $CodeSpace$ می‌نامیم و آن را با

$$C \in C_2^n \quad (37)$$

نشان می‌دهیم. بنابراین یک کد کوانتومی چیزی نیست جز یک زیر فضای از C_2^n . اگر این زیر فضا بعد 2^k داشته باشد، می‌گوییم k کیوبیت را در n کیوبیت کد کرده‌ایم. درست مثل حالت کلاسیک، یک کد کوانتومی یک مجموعه مشخص از خطاها را می‌تواند تصحیح کند. این مجموعه خطا را با

$$\mathcal{E} = \{E_a, E_b, E_c, \dots, E_n\} \quad (38)$$

نشان می‌دهیم. سوال کلی‌ای که در این بخش با آن روبرو هستیم این است که اگر یک کد بخواهد این مجموعه خطا را اصلاح کند، چه شرایطی را باید داشته باشد. خواهیم دید که یک کد در واقع می‌بایست یک شرط خیلی ساده را برآورده کند تا بتواند یک مجموعه از خطا را تصحیح کند. نخست شرط کافی را بیان می‌کنیم.

قضیه: شرط کافی برای آن که یک کد C بتواند یک مجموعه خطای \mathcal{E} را اصلاح کند آن است که:

$$\langle \psi | E_a^\dagger E_b | \psi \rangle = 0, \quad E_a \neq E_b \in \mathcal{E}, \quad \forall \psi \in C. \quad (39)$$

اثبات: هرگاه شرط فوق برآورده شود، و حالت $|\psi\rangle \in C$ به صورت زیر تحول پیدا کند:

$$|\psi\rangle \otimes |e\rangle \longrightarrow \sum_a E_a |\psi\rangle \otimes |e_a\rangle \quad (40)$$

شرط فوق بیان می‌کند که حالت‌های متفاوت $E_a |\psi\rangle$ برهم عمودند و در نتیجه بایک اندازه‌گیری از هم قابل تمیزند. به عبارت دیگر فضاهای $E_a C$ و $E_b C$ و دیگر فضاهایی که از اثر خطاهای متعلق به \mathcal{E} پدیدار می‌شوند، همگی زیرفضاهای عمود برهم هستند:

$$E_a C \perp E_b C \quad a \neq b. \quad (41)$$

پس با یک اندازه گیری می توانیم تشخیص دهیم که در کدام زیر فضا هستیم و سپس با توجه به اینکه یک عملگر پائولی براحتی معکوس پذیر است ، می توانیم اثر آن را روی حالت $|\psi\rangle$ خنثی کنیم و خطا را اصلاح کنیم. دقت کنید که در این اندازه گیری ما فقط نتیجه می گیریم که در کدام زیرفضا هستیم و هیچ گونه اطلاعاتی در باره حالت اولیه بدست نمی آوریم چرا که بدست آوردن اطلاعات از حالت اولیه معادل با مختل کردن آن است و ما نمی خواهیم که این اتفاق بیفتد.

اما آیا این شرط لازم هم هست؟ پاسخ این است که واقعا این شرط لازم نیست. خواننده براحتی می تواند ببیند که در کد شر این شرط برآورده نمی شود. مثلا خطاهای Z_1 و Z_2 را در نظر بگیرید. این دو خطا در شرط ۳۹ صدق نمی کنند با این حال کد شر می تواند این خطاها را اصلاح کند.

■ تمرین: کد شر را در نظر بگیرید. جدولی تشکیل دهید که سندروم تمام خطاهای تک کیوبیتی یعنی X_i, Y_i, Z_i را نشان دهد. آیا سندروم همه خطاها با هم متفاوت است؟ چرا کد شر می تواند همه خطاها ی تک کیوبیتی را تصحیح کند؟

■ تمرین: ضرب داخلی $\langle \psi | Z_i Z_j | \psi \rangle$ را برای همه $i, j = 1, \dots, 9$ تشکیل دهید. ببینید که آیا شرط ۳۹ برای کد شر برقرار است یا خیر؟

پس از این مثال و تمرین می توانیم قضیه اصلی نظریه اصلاح خطای کوانتومی را بیان کنیم.

قضیه: شرط لازم و کافی برای آنکه یک کد کوانتومی C بتواند یک مجموعه خطای \mathcal{E} را اصلاح کند این است که :

$$\langle \psi | E_a^\dagger E_b | \psi \rangle = \Lambda_{ab}, \quad \forall \psi \in \mathcal{C}, \quad \forall E_a, E_b \in \mathcal{E}. \quad (42)$$

دقت کنید که نکته اصلی این شرط این است که ماتریس Λ مستقل از $|\psi\rangle$ است در غیر این صورت این رابطه هیچ محتوایی ندارد.

■ تمرین: صحت این شرط را برای کدی که خطای بیت-برگردان را اصلاح می کند بیازمایید. همین کار را برای کد شر و کد پنچ کیوبیتی نیز انجام دهید.

■ تمرین: نشان دهید که ماتریس Λ هرمیتی است.

حال می توانیم به اثبات این قضیه پردازیم.

اثبات: درست است که ماتریس Λ قطری نیست، ولی ما می توانیم ترکیب جدیدی از عملگرهای E_a را انتخاب کنیم به نحوی که این ماتریس قطری شود. در واقع قرار می دهیم:

$$F_a = \gamma_{ab}^* E_b, \quad (43)$$

که در آن γ_{ab} ها اعداد مختلط هستند. در نتیجه خواهیم داشت:

$$\langle \psi | F_a^\dagger F_b | \psi \rangle = \gamma_{ac} \gamma_{bd}^* \langle \psi | E_c^\dagger E_d | \psi \rangle = \gamma_{ac} \gamma_{bd}^* \Lambda_{cd} = (\gamma \Lambda \gamma^\dagger)_{ab} \quad (44)$$

بنابراین اگر ضرایب γ_{ab} را به طرز مناسب انتخاب کنیم خواهیم داشت:

$$\langle \psi | F_a^\dagger F_b | \psi \rangle = \omega_a \delta_{ab}. \quad (45)$$

یعنی این که برای خطاهای جدید یعنی F_a ها فضاهای مربوطه با هم عمود هستند، یعنی اینکه $F_a C \perp F_b C$. بنابراین با یک اندازه گیری می توانیم تشخیص دهیم که در کدام زیر فضا هستیم بدون اینکه از خود حالت اطلاعی بدست آوریم. هر زیرفضا نشانه یا سندروم خاص خود را دارد و پس از تشخیص نشانه می توانیم دوباره حالت را با اعمال مناسب یک عمل گر کوانتومی به حالت اولیه برگردانیم. ولی چرا خطاهای اولیه با این خطاهای جدید هم ارز هستند؟ پاسخ این سوال با توجه به رابطه زیر روشن می شود. زیرا می توانیم بنویسیم

$$|\psi\rangle \otimes |e\rangle \longrightarrow \sum_a E_a |\psi\rangle \otimes |e_a\rangle = \sum_{a,b} \gamma_{ba} F_b |\psi\rangle |e_a\rangle = \sum_b (F_b |\psi\rangle) (\gamma_{ba} |e_a\rangle) = \sum_b (F_b |\psi\rangle) (|\tilde{e}_b\rangle) \quad (46)$$

این رابطه در واقع بیان می کند که هم می توان فرض کرد که خطاهای E_a روی حالت $|\psi\rangle$ رخ داده است و هم می توان فرض کرد که خطاهای F_a روی حالت رخ داده است. تفاوت این دو نوع بسط در حالت های محیط است که بکلی از دسترس ما خارج هستند ولی تا جایی که به سیستم و کیوبیت های کد شده مربوط است این دو نوع بسط هم ارز هستند.

■ تمرین: شرط ۴۲ را در نظر بگیرید. طرف راست این رابطه بستگی به حالت $|\psi\rangle$ ندارد. نشان دهید که اگر طرف راست به حالت بستگی داشته باشد، دیگر نمی توان ماتریس Λ را با تغییر عملگرهای خطا قطری کرد.

■ تمرین: شرط ۴۲ را در نظر بگیرید. اگر بردارهای پایه فضای کد یعنی C را با v_1, v_2, \dots, v_k نشان دهیم، ثابت کنید که این شرط با شرط زیر معادل است. دقت کنید که این معادل بودن را به صورت دو طرفه باید نشان دهید. یعنی نشان دهید که هرکدام از این رابطه ها، دیگری

را نتیجه می دهد.

$$\langle v_i | E_a^\dagger E_b | v_j \rangle = \tilde{\Lambda}_{ab} \delta_{ij}. \quad (47)$$

این رابطه یک نتیجه فرعی ولی مهم و از نظر مفهومی روشن را در بر دارد. فرض کنید که $i \neq j$ باشد. در این صورت همواره روابط زیر برقرارند:

$$\begin{aligned} E_a | v_i \rangle &\perp E_a | v_j \rangle, \\ E_a | v_i \rangle &\perp E_b | v_j \rangle. \end{aligned} \quad (48)$$

رابطه اول می گوید که امکان ندارد که دو بردار پایه متفاوت توسط یک خطا به بردارهای شبیه به هم نگاشته شود و این شرط مهمی است زیرا می گوید که بردارهای پایه متفاوت توسط یک خطا به زیر فضاهای متفاوت نگاشته می شوند. اگر این طور نبود نمی شد تشخیص داد که آیا برداری که بدست آورده ایم ناشی از خطای E_a روی کدام یک از بردارهای پایه است. رابطه دوم بیان می کند که حتی خطاهای متفاوت نیز نمی توانند بردارهای پایه متفاوت را به بردارهایی تبدیل کنند که باهم اشتباه می شوند.

۵ فرمالیزم پایدارسازها

نظریه اصلاح خطای کوانتومی را به بهترین نحو می توان در فرمالیزم پایدارسازها^۶ فهمید. این چارچوب نخستین بار توسط دانیل گوتسمان^۷ ارایه شده است. برای فهم این چارچوب می بایست بعضی مفاهیم مقدماتی را مرور کنیم. طبیعی است که مجموعه عملگرهای پاوولی در این فرمالیزم نقش مرکزی دارد. می دانیم که مجموعه عملگرهای پاوولی تشکیل یک گروه نمی دهند (این موضوع را بیازمایید) ولی اگر این مجموعه را در اعداد $\pm 1, \pm i$ ضرب کنیم آنگاه یک گروه تشکیل می دهند یعنی مجموعه 16 عضوی حاصل تحت عمل ضرب بسته است. این گروه را گروه پاوولی روی یک کیوبیت می نامیم. بنابراین داریم:

تعریف: گروه پاوولی روی یک کیوبیت عبارت است از مجموعه زیر:

$$P_1 = \{\pm 1, \pm i\} \times \{I, X, Y, Z\}, \quad (49)$$

مرتبه این گروه متناهی یعنی تعداد اعضای آن برابر است با $|P_1| = 16$.

■ تمرین: گروه بودن این مجموعه را بیازمایید. خودتان را قانع کنید که اگر بعضی از ضرایب مثلا $\pm i$ را حذف کنیم، مجموعه حاصل دیگر گروه نخواهد بود.

به همین نحو می توانیم گروه پائولی روی n کیوبیت را تعریف کنیم. بازهم نیازمند این هستیم که ماتریس های پائولی را که این بار روی n کیوبیت اثر می کنند همراه با ضرایب چهارگانه فوق در نظر بگیریم تا مجموعه حاصل تشکیل یک گروه بدهد. بنابراین داریم:

■ تمرین: گروه پائولی روی n کیوبیت به صورت زیر تعریف می شود:

$$P_n = \{\pm 1, \pm i\} \times \{\sigma_{i_1} \otimes \sigma_{i_2} \otimes \cdots \otimes \sigma_{i_n}, \mid i_1, i_2, \dots, i_n = 0, 1, 2, 3\}. \quad (50)$$

تعداد اعضای این گروه برابر است با $|P_n| = 4^{n+1}$.

■ تمرین: نشان دهید که اگر g و g' دو عضو از گروه پائولی باشند، آنگاه

$$gg' = \pm g'g, \quad g^2 = \pm 1, g'^2 = \pm 1. \quad (51)$$

یعنی اینکه هر دو عضو گروه پائولی یا باهم جابجا می شوند یا باهم پادجابجا می شوند. هم چنین مربع هر عضو گروه پائولی یا برابر است با 1 یا برابر است با -1.

تعریف: هر زیر گروه از گروه P_n که عناصر آن 1 - هریتی باشند، 2 - باهم جابجا شوند و 3 - زیرگروه شامل عنصر 1- نباشد، یک گروه پایدار ساز^۸ خوانده می شود.

از این جا به بعد گروه پایدار ساز را با S نمایش می دهیم. واضح است که گروه پایدار ساز یک تعداد مولد دارد به این معنا که تمام عناصر گروه از حاصل ضرب های این مولدها ساخته می شود. اگر عناصر s_1 تا s_r مولدهای یک گروه پایدار ساز باشند می نویسیم:

$$S = \langle s_1, s_2, \dots, s_r \rangle \quad (52)$$

■ تمرین: کدام یک از مجموعه های زیر یک گروه پایدار ساز تشکیل می دهند و کدام نمی دهند. در مواردی که پاسخ شما منفی است دلیل خود را ذکر کنید.

$$S_1 = \{I, ZZ\},$$

^۸Stabilizer Group

$$\begin{aligned}
\mathcal{S}_2 &= \{I, ZZI, IZZ\}, \\
\mathcal{S}_3 &= \{I, iZZZ\}, \\
\mathcal{S}_4 &= \{I, XXX, ZZZ, YYY\}, \\
\mathcal{S}_5 &= \{I, ZZZ, -I, -ZZZ\}, \\
\mathcal{S}_6 &= \{I, XXI, IXX, XIX\}.
\end{aligned} \tag{53}$$

■ تمرین: در هر کدام از موارد زیر تمامی اعضای گروه پایدارساز را بنویسید:

$$\begin{aligned}
\mathcal{S}_1 &= \langle XXZ, ZXX \rangle, \\
\mathcal{S}_2 &= \langle XXI, IXX \rangle, \\
\mathcal{S}_3 &= \langle ZZI, IZ \rangle, \\
\mathcal{S}_4 &= \langle ZII, IIZ \rangle, \\
\mathcal{S}_5 &= \langle ZYI, IYZ \rangle.
\end{aligned} \tag{54}$$

■ تمرین: نشان دهید که در یک گروه پایدارساز مربع همه عناصر برابر با 1 است.

■ تعریف: هرگاه $\mathcal{S} \subset P_n$ یک گروه پایدارساز باشد، فضای پایدارشده توسط این گروه یعنی زیر فضایی از فضای n کیوبیت که توسط

عناصر این گروه پایدار می شود. این زیرفضا را با $\mathcal{C}_{\mathcal{S}}$ نشان می دهیم. به عبارت دقیق تر داریم:

$$\mathcal{C}_{\mathcal{S}} = \{|\psi\rangle \in C_2^{\otimes n} \mid s|\psi\rangle = |\psi\rangle, \quad \forall s \in \mathcal{S}\} \tag{55}$$

در ادامه برای سادگی نمادها از نوشتن زیرنویس \mathcal{S} برای فضای \mathcal{C} صرف نظر می کنیم و فضای پایدارشده را تنها به صورت \mathcal{C} می نویسیم.

■ تمرین: در تمرین قبلی فضای پایدارشده توسط هر گروه را مشخص کنید. یک پایه برای این فضا بنویسید.

■ تمرین: یک کد کوانتومی در نظر بگیرید با گروه پایدارساز زیر:

$$G = \langle ZZZ \rangle. \tag{56}$$

بردارهای پایه این کد را مشخص کنید. تعیین کنید که این کد چه خطاهایی را تشخیص می دهد. یک مجموعه از خطاهای قابل اصلاح برای این کد بنویسید.

آیا تعداد اعضای گروه پایدارساز ربطی به بعد فضای پایدارشده دارد؟ مسلم است که هرچه تعداد عناصر گروه پایدارساز بیشتر باشد قید های بیشتری روی فضای پایدارشده اعمال می شود و بنابراین بعد آن کمتر می شود ولی چقدر کمتر؟ دقیقاً چه رابطه ای بین این دو وجود دارد. پاسخ آن در قضیه زیر داده می شود.

قضیه: هرگاه تعداد مولدهای گروه پایدارساز برابر با r باشد، آنگاه بعد فضای پایدارشده برابر است با 2^{n-r} .

اثبات: نخست دقت می کنیم که هرگاه $s \in \mathcal{G}$ یک عضو گروه پایدار ساز باشد، آنگاه $\frac{1}{2}(1+s)$ یک عملگرتصویری است که فضا را روی زیر فضایی که برای عملگر s ویژه مقدار $+1$ دارد تصویر می کند. در نتیجه عملگرتصویری زیر که حاصلضرب عملگرهای تصویری مربوط به همه مولدها است دقیقاً عملگر تصویری روی فضای کد است. بنابراین کافی است که بتوانیم رد آن را حساب کنیم تا بعد فضای کد بدست بیاید.

$$\prod_C := \prod_{i=1}^r \frac{1}{2}(I + s_i) \quad (57)$$

برای آنکه رد این عملگر را حساب کنیم آن را بسط می دهیم که به صورت زیر در می آید:

$$\prod_C = \frac{1}{2^r} \sum_{s \in S} s = \frac{1}{2^r} \left(1 + \sum_{s \neq I \in S} s \right) \quad (58)$$

اما می دانیم که تمام عملگرهای S حتماً شامل ماتریس های پاورولی هستند و بنابراین رد آنها برابر با صفر است. در نتیجه

$$\text{tr}(\prod_C) = \frac{1}{2^r} \text{tr}(I) = \frac{2^n}{2^r} = 2^{n-r}. \quad (59)$$

به این ترتیب قضیه ثابت می شود.

یک نکته در باره نمادها: معمولاً بعد فضای کد را با 2^k نشان می دهیم که در نتیجه آن تعداد مولدهای گروه پایدارساز را با $n - k$ نمایش می دهیم. این انتخاب البته با قضیه بالا سازگار است.

۱.۵ تشخیص و اصلاح خطا در کدهای مبتنی بر پایدارسازها

حال که با پاوولی و زیر گروه پایدارساز آشنا شده ایم می خواهیم بفهمیم که قسمت های مختلف گروه پاوولی چه نقشی در تصحیح خطا به عهده دارند. عناصر زیرگروه پایدار ساز که نقش مشخصی دارند. آنها سندروم های خطا هستند و روی تمام فضای کد ویژه مقدار برابر با +1 دارند. حال به هر عضو دیگری در گروه پاوولی که نگاه کنیم با دو حالت بیشتر مواجه نمی شویم. یا اینکه این عضو با همه عناصر S جابجا می شود یا اینکه با بعضی از عناصر S جابجا نمی شود. آن دسته از عناصری که با همه اعضای S جابجا می شوند در یک زیر مجموعه قرار می دهیم و آن را با $\mathcal{N}(S)$ نمایش می دهیم. به عبارت دیگر:

$$\mathcal{N}(S) := \{n \in P \mid ns_i = s_i n \ \forall \ s_i \in S\}. \quad (60)$$

بقیه عناصر گروه پاوولی حتما با یک یا چند عضو از S پادجابجا می شوند. واضح است که $\mathcal{N}(S)$ یک گروه است. هم چنین واضح است که $S \subset \mathcal{N}(S)$. خواهیم دید که با توجه به مفاهیم نظریه گروه تصویر منسجم و خیلی زیبایی از فضای کد و خطاهای قابل تشخیص و تصحیح بدست می آید. یک عضو مثل $n \in \mathcal{N}(S)$ را در نظر می گیریم. این عضو با همه مولدهای S جابجا می شود. در این صورت برای یک بردار دلخواه در فضای کد داریم:

$$s_i(n|\psi) = n(s_i|\psi) = n|\psi. \quad (61)$$

معنای این رابطه این است که n ویژه مقدار s_i ها را تغییر نمی دهد و در نتیجه $n|\psi$ یک حالت دیگر در فضای کد است که البته ممکن است با $|\psi\rangle$ متفاوت باشد. بنابراین n یک خطای غیرقابل تشخیص است که مثل یک عملگر پاوولی کد شده روی فضای کد عمل می کند. برای وقتی که فضای کد فقط یک کیوبیت را کد کرده است، این عملگرهای پاوولی که گاهی آنها را عملگرهای منطقی^۹ نیز می خوانیم با نمادهای زیر نشان داده می شوند:

$$\bar{X} \quad \bar{Y} \quad \bar{Z}. \quad (62)$$

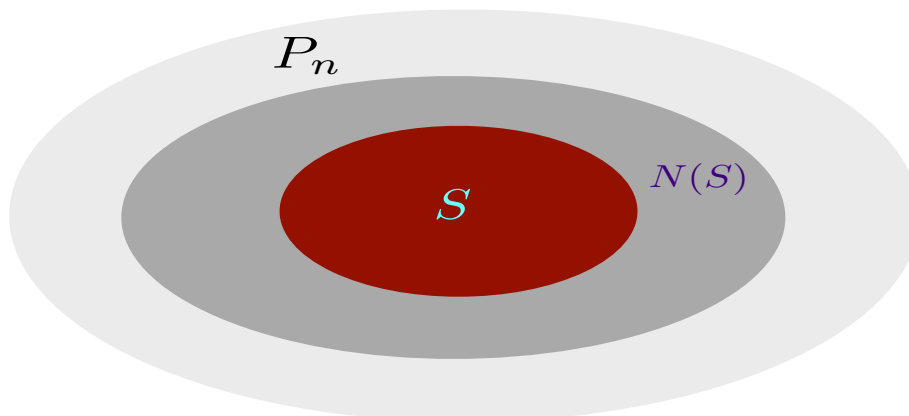
برای وقتی که فضای کد ها چند کیوبیت را کد کرده باشد این عملگرهای منطقی با اندیس مربوطه مشخص می شوند. دقت کنید که چندین عملگر متفاوت در $\mathcal{N}(S)$ می توانند یک نقش واحد ایفا کنند. به عنوان مثال در کد تکرار سه کیوبیتی $C = \{|000\rangle, |111\rangle\}$ دو عملگر Z_1 و سه $Z_1 Z_2 Z_3$ هر دو یک اثر دارند و این اثر چیزی نیست جز عملگر پاوولی کد شده یعنی \bar{Z}

$$\bar{Z}(a|000\rangle + b|111\rangle) = a|000\rangle - b|111\rangle. \quad (63)$$

مثال: گروه پایدارساز $\mathcal{S} = \langle ZZI, IZZ \rangle$ را در نظر بگیرید. تمام عناصر این گروه عبارتند از $\mathcal{S} = \{I, ZZI, ZIZ, IZZ\}$. عناصری مثل XXX یا YYY با تمام عناصر این گروه جابجا می شوند و در عین حال جز خود گروه نیستند. به عنوان یک تمرین تمام عناصر مجموعه $\mathcal{N}(S)$ را بدست آورید.

مجموعه $\mathcal{N}(S)$ واقعا یک گروه است.

^۹ Logical Operator



شکل ۸: گروه پاولی، زیرگروه پایدارساز و گروه بهنجارساز این زیرگروه

■ تمرین: ثابت کنید که بهنجارساز \mathcal{S} تمام خواص یک گروه را دارد. دقت کنید که حتی اگر گروه \mathcal{S} آبله هم نبود، حتما بهنجارساز آن یک گروه می شد.

■ تمرین: برای هر کدام از گروه های پایدارساز نشان داده شده در روابط ۵۴ گروه بهنجارساز را پیدا کنید.

حال دو عضو از گروه بهنجارساز مثل $n, n' \in \mathcal{N}(\mathcal{S})$ در نظر بگیرید به قسمی که

$$n' = nS, \text{ for some } S \in \mathcal{S} \quad (۶۴)$$

دراین صورت داریم

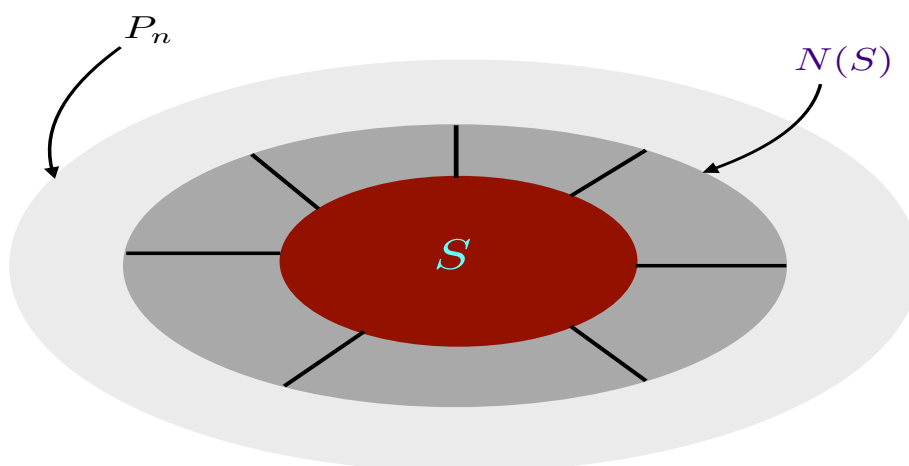
$$n'|\psi\rangle = nS|\psi\rangle = n|\psi\rangle,$$

زیرا که s حالت $|\psi\rangle$ را تغییر نمی دهد. در واقع هردو عناصر n و n' یک نوع خطا ایجاد می کنند. این موضوع به ما می گوید که می بایست n و n' را در ایجاد خطا هم ارز و یکسان بگیریم. به زبان ریاضی می گوئیم که رابطه ۶۴ یک رابطه هم ارزی است و گروه $\mathcal{N}(\mathcal{S})$ را به کلاس های هم ارزی افزایش می کند. هر کلاس هم ارزی را به صورت زیر نشان می دهیم:

$$[n] \equiv n\mathcal{S} = \{ns | s \in \mathcal{S}\}. \quad (۶۵)$$

هرکلاس هم ارزی یک خطای خاص ایجاد می کند. تعداد کلاس های هم ارزی برابر است با $\frac{|\mathcal{N}(\mathcal{S})|}{|\mathcal{S}|}$.

تا کنون تکلیف دو قسمت از شکل (۸) را تعیین کرده ایم. حال به سراغ قسمت سوم می رویم یعنی قسمتی از گروه پاولی که در $\mathcal{N}(\mathcal{S})$ نیست. این ها خطاهایی هستند که قابل تشخیص اند زیرا از خود نشانه (یا سندروم) باقی می گذارند. البته ممکن است دو خطای متفاوت سندورم



شکل ۹: گروه پائولی، زیرگروه پایدارساز و گروه بهنجارساز این زیرگروه

یکسان داشته باشند و از یکدیگر تمیز داده نشوند. سوال این است که کدام خطاها از هم تمیز داده نمی شوند. برای پاسخ به این سوال دو خطای متفاوت مثل E و E' در نظر می گیریم به قسمی که

$$\exists n \in \mathcal{N}(S) \mid E' = En. \quad (66)$$

می خواهیم نشان دهیم که این دو خطا سندرهم یکسان دارند. فرض کنید که E با s_i پادجابجا می شود. یعنی

$$Es_i = -s_iE$$

در این صورت خواهیم داشت:

$$E's_i = (En)s_i = E(ns_i) = E(s_in) = Es_in = -s_iEn = -s_iE'. \quad (67)$$

همین استدلال برای وقتی که خطای E با یک عضو گروه پایدارساز جابجا می شود نیز درست است. حاصل کار این است که E و E' هر دو یک نشانه خطا دارند. برعکس تصور کنید که E و E' هر دو یک نشانه خطا دارند. می خواهیم نشان دهیم که هر دو به معنای فوق هم ارز هستند. برای این کار به ترتیب زیر عمل می کنیم. یک عضو دلخواه از گروه پایدارسازها مثل s_i را در نظر بگیرید که با هر دو خطای E و E' پادجابجا شود. در این صورت داریم:

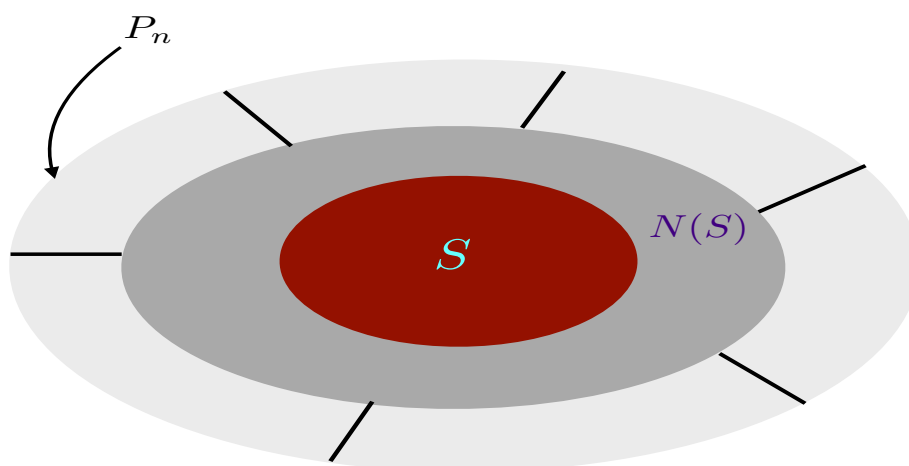
$$Es_i = -s_iE, \quad E's_i = -s_iE'. \quad (68)$$

بنابراین نتیجه می گیریم که

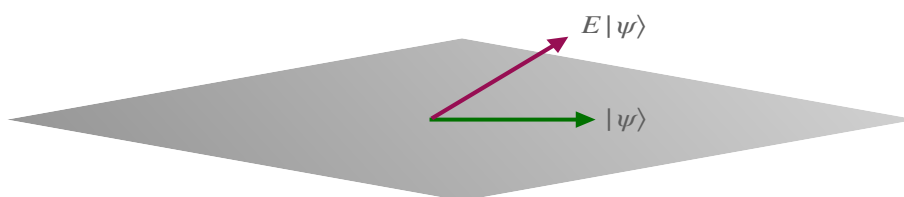
$$EE's_i = s_iEE'. \quad (69)$$

و با توجه به این که برای خطاها همواره رابطه $E = E^{-1}$ برقرار است، نتیجه می گیریم که $E^{-1}E'$ عضو گروه بهنجارساز $\mathcal{N}(S)$ است. در این جا هم یک رابطه هم ارزی می توان تعریف کرد به این معنا که

$$\forall E, E' \in P, \quad E \sim E' \quad \text{iff} \quad E' = En \quad \text{for some } n \in \mathcal{N}(S). \quad (70)$$



شکل ۱۰: گروه پاوولی، زیرگروه پایدارساز و گروه بهنجارساز این زیرگروه



شکل ۱۱: خطاهای قابل شناسایی آنها می هستند که حالت را از فضای کد خارج می کنند و از خود نشانه باقی می گذارند.

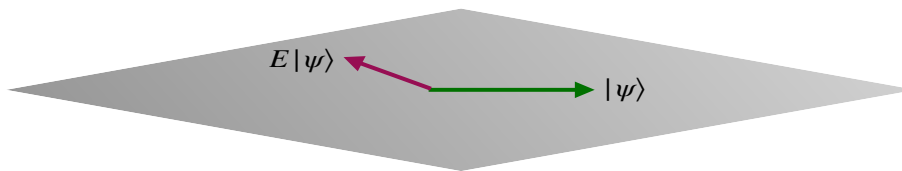
به این ترتیب گروه پاوولی نیز به کلاس های هم ارزی تبدیل می شود که در آنها سندروم تمام اعضای یک کلاس یکسان است و در نتیجه خطاهای این کلاس از هم تمیز پذیر نیستند ولی نشانه های کلاس های متفاوت تمیز پذیر و در نتیجه قابل اصلاح اند. در نتیجه مجموعه خطاهای اصلاح پذیر برابر است با تعداد کلاس های هم ارزی

$$P/N(S).$$

هر کلاس هم ارزی عبارت است از:

$$[E] = \{En \mid n \in \mathcal{N}\}. \quad (71)$$

مجموعه تمام عناصر یک کلاس هم ارزی نشانه های یکسان دارند. هر دو کلاس هم ارزی نشانه های متفاوت دارند و بنابراین از یکدیگر قابل تمیز هستند. اندازه گیری نشانه های خطا معین می کند که خطای مربوط به کدام کلاس اتفاق افتاده است اما دقیقا نمی گوید که کدام خطا در آن کلاس اتفاق افتاده است. پس از اینکه تشخیص دادیم که خطای کدام کلاس اتفاق افتاده است برای تصحیح خطا فرض می کنیم که خطای



شکل ۱۲: خطاهای غیر قابل شناسایی آنهایی هستند که حالت را از فضای کد خارج نمی کنند و از خود نشانه ای باقی نمی گذارند.

با بیشترین احتمال (یعنی خطای با کمترین وزن) اتفاق افتاده و سپس با اعمال معکوس آن عملگر (که البته با خود آن عملگر مساوی است) خطا را تصحیح می کنیم. منظور از وزن یک خطا تعداد عملگرهای پاولی موجود در آن خطاست. به این ترتیب داریم:

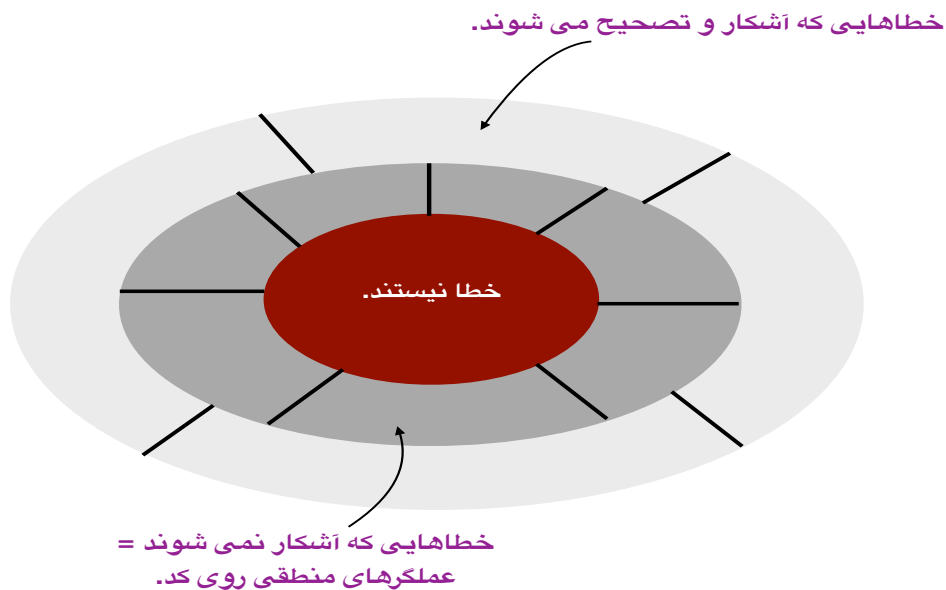
$$\omega(X_1X_2) = 2 \quad \omega(X_1X_2Z_3) = 3 \quad \omega(Y_1Y_2Z_3Z_4) = 4. \quad (۷۲)$$

شکل (۱۳) تصویر کلی را در باره کدهای پایدارسازها و رابطه آنها با خطاها نشان می دهد.

۲.۵ کد پنج کیوبیتی

دیدیم که کد شر یک کیوبیت منطقی را در ۹ کیوبیت کد می کند و این بهایی است که باید برای تصحیح تمام خطاها پرداخت. حال سوال این است که آیا نمی توان برای تصحیح همه خطاها بهای کمتری پرداخت؟ آیا ممکن است کدی بسازیم که یک کیوبیت منطقی را در تعداد کمتری کیوبیت فیزیکی کد کند و در نتیجه نرخ بالاتری داشته باشد؟ پاسخ این سوال مثبت است. در این بخش نشان می دهیم که می توان یک کیوبیت منطقی را در ۵ کیوبیت کد کرد و در نتیجه به نرخ $R = \frac{1}{5}$ دست یافت. هم چنین نشان می دهیم که بهتر از این نمی توان عمل کرد و یک کیوبیت را نمی توان در تعداد کمتری کیوبیت کد کرد. برای پاسخ به این سوال بهترین کار استفاده از عملگرهای پایدار کننده است. کد کردن یک کیوبیت در ۵ کیوبیت به این معناست که در فضای ۵ کیوبیتی که دارای بعد 2^5 است یک زیر فضای 2^1 را به عنوان فضای کد انتخاب می کنیم. بنابراین زیر فضای کد توسط چهار عملگر پایدار می شود. می بایست چهار عملگر پیدا کنیم که روی فضای ۵ کیوبیتی عمل می کنند و همه با هم جابجا می شوند و در عین حال برای تمام خطاهای بیت و فاز برگردان علامت های خطای متمایز دارند. می توانیم این کار را با سعی و خطا انجام دهیم. اما بعضی از اصول راهنما داریم که از همان ابتدا کار ساختن گروه پایدارساز را آسان می کنند. نخست باید بدانیم که کدی که می خواهیم بنویسیم می بایست خطاهای یک کیوبیتی را اصلاح کند. بنابراین هیچکدام از عملگرهای پاولی که روی یک کیوبیت اثر می کنند مثل $X_1 \cdots X_5, Y_1 \cdots Y_5, Z_1 \cdots Z_5$ نمی بایست در $\mathcal{N}(S)$ وجود داشته باشند. به این ترتیب می توان بلافاصله انتخاب های ساده ای مثل

$$S_1 = \langle X_1, X_2, X_3, X_4 \rangle \quad (۷۳)$$



شکل ۱۳: تصویر کلی در کدهای پایدار ساز.

یا

$$\langle Z_1, Z_2, Z_3, Z_4 \rangle \quad (74)$$

را کنار گذاشت، زیرا در اولی عملگر X_5 و در دومی Z_5 اگرچه خطا هستند ولی چون با همه پایدارسازها جابجا می شوند، قابل شناسایی نیستند. اگر با سعی و خطا پیش برویم به تدریج به مجموعه مولدهایی پیچیده تری می رسیم. یک نمونه می تواند به شکل زیر باشد:

$$\begin{aligned} S_1 &= Z Z X X X, \\ S_2 &= X Z Z X X, \\ S_3 &= X X Z Z X, \\ S_4 &= X X X Z Z. \end{aligned} \quad (75)$$

■ تمرین: الف: نخست خودتان را قانع کنید که همه این عملگرها باهم جابجا می شوند.

ب: زیرفضایی را که توسط این عملگرها پایدار می شود بدست آورید.

پ: جدولی را که نشان دهنده روابط جابجایی عملگرهای خطای بیت و فاز برگردان با عملگرهای پایدار کننده فوق است بدست آورید.

ت: با توجه به این جدول بگویید که آیا این کد واقعا می تواند همه خطاها را از هم تمیز دهد؟ کدام خطاها را باهم اشتباه می کند؟

اگر تمرین بالا را به درستی حل کرده باشید متوجه می شوید که کد بالا به یک کد کامل خیلی نزدیک شده است بنابراین می توانیم سعی خود را ادامه بدهیم و اشکالی را که در کد قبلی وجود داشت رفع کنیم. این بار پایدار کننده ها را به طریق زیر در نظر می گیریم:

$$\begin{aligned} S_1 &= X X Z I Z, \\ S_2 &= X Z I Z X, \\ S_3 &= Z I Z X X, \\ S_4 &= I Z X X I. \end{aligned} \quad (76)$$

■ تمرین: مراحل تمرین قبلی را برای این کد تکرار کنید و نشان دهید که این کد واقعا تمام خطاهای تک کیوبیتی را از هم تمیز داده و آن ها را اصلاح می کند.

■ تمرین: الف: یک مدار کوانتومی رسم کنید که حالت های $|0\rangle$ و $|1\rangle$ را به صورت زیر کد کند:

$$\begin{aligned} |0\rangle &\longrightarrow \frac{1}{2}(|00\rangle + |11\rangle)^{\otimes 2} \\ |1\rangle &\longrightarrow \frac{1}{2}(|00\rangle - |11\rangle)^{\otimes 2}. \end{aligned} \quad (77)$$

ب: آیا این کد خطاهای بیت برگردان و فازبرگردان را می تواند تصحیح کند؟ آیا می تواند آنها را تشخیص دهد؟
پ: سپس پایدارسازهای این کد را بنویسید و مداری رسم کنید که حالت کد شده را برای تشخیص خطا ارزیابی کند.

۳.۵ مدار کوانتومی برای ساختن کد پنج کیوبیتی

در این بخش یاد خواهیم گرفت که مداری برای تبدیل یک حالت یک کیوبیتی به کد پنج کیوبیتی بسازیم. اگر چه هدف ما ساختن یک مدار خاص است، اما بسیاری از مطالب این بخش برای کاربردهای دیگر نیز مهم و مفید هستند. فرض کنید که می خواهیم کدی بسازیم که توسط پایدارسازهای $\langle S_1, S_2, \dots, S_k \rangle$ پایدار شود. یک راه ساده برای یافتن حالت های کد شده به صورت زیر است که اثبات آن نیز نیازی به توضیح بیشتر ندارد:

$$\begin{aligned} |0\rangle &\longrightarrow |\bar{0}\rangle := (I + S_1)(I + S_2) \cdots (I + S_k)|0, 0, 0, \dots, 0\rangle \\ |1\rangle &\longrightarrow |\bar{1}\rangle := (I + S_1)(I + S_2) \cdots (I + S_k)|1, 1, 1, \dots, 1\rangle. \end{aligned} \quad (78)$$

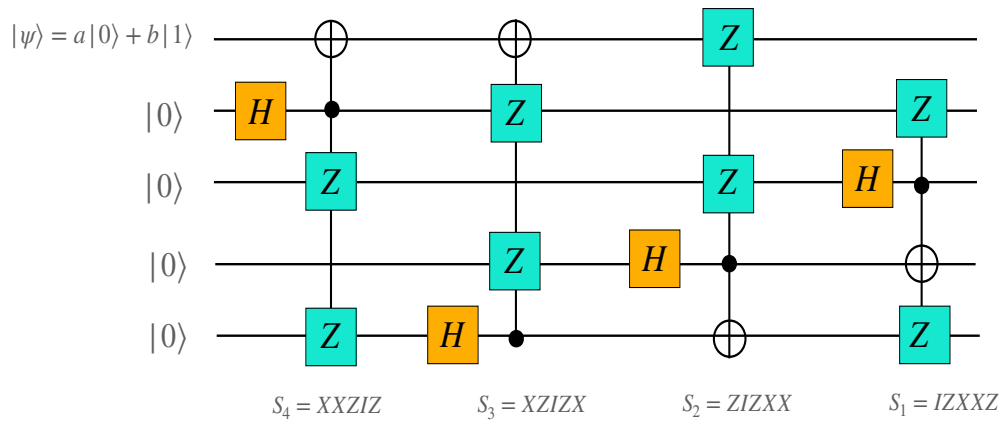
حالت اولیه همانطور که در مدار شکل (۱۴) دیده می شود عبارت است از

$$(a|0\rangle + b|1\rangle)|0, 0, 0, 0\rangle$$

است. که ترکیبی خطی از دو حالت متعامد $|0, 0, 0, 0, 0\rangle$ و $|1, 0, 0, 0, 0\rangle$ است. بنابراین عملگر یکانی $(I + S_1)(I + S_2) \cdots (I + S_k)$ این دو حالت را به دو حالت متعامد تبدیل می کند که همان حالت کد شده مورد نظر است. حال مسئله این است که چگونه عملگرهای $I + S_i$ را یکی پس از دیگری روی این حالت اثر دهیم. در این جا به این نکته توجه می کنیم که اگر U یک عملگر یکانی دلخواه باشد که روی یک حالت $n - 1$ کیوبیتی اثر می کند، آنگاه می توان نوشت

$$\frac{1}{\sqrt{2}}(I + X_i U)(|0\rangle_i \otimes |\psi\rangle) = \frac{1}{\sqrt{2}}(|0\rangle_i \otimes |\psi\rangle + |1\rangle_i \otimes U|\psi\rangle) = \Lambda_i(U)H_i(|0\rangle \otimes |\psi\rangle). \quad (79)$$

که نشان می دهد طرف راست یک عملگر کنترلی به صورت $\Lambda_i(U)$ است که بیت کنترلی آن کیوبیت i ام است و عملگر U روی بقیه کیوبیت ها اثر می کند. (برای نمادگذاری به فصل مربوط به مدارهای کوانتومی نگاه کنید.) با توجه به این نکته می توان مدار کوانتومی ای که کد پنج کیوبیتی را تولید می کند به شکل نشان داده شده در (؟؟) بسازیم.

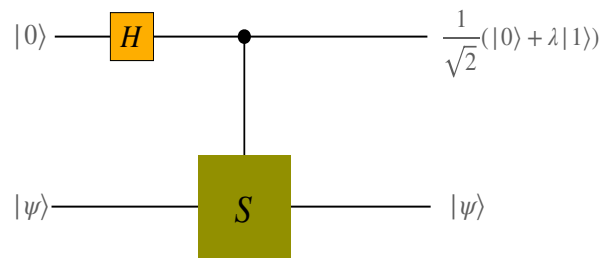


شکل ۱۴: یک مدار کوانتومی که با استفاده از رابطه (۷۹) مداری که کد پنج کیوبیتی را می سازد.

حال با این سوال مواجهیم که چه نوع مدار کوانتومی ای، خطای ایجاد شده در این کد را می تواند تشخیص دهد. برای هر پایدارسازی یک راه خیلی ساده وجود دارد که بفهمیم آیا ویژه مقدار آن تغییر کرده یا خیر. فرض کنید که S یک پایدارساز باشد. می دانیم که ویژه مقدار آن یک یا منهای یک است. مدار ساده (۱۵). در این مدار $|\psi\rangle$ یک حالت ورودی است که ویژه مقدارش برای پایدارساز برابر با $\lambda = \pm 1$ است. در این مدار حالت ورودی به شکل زیر تحول می یابد.

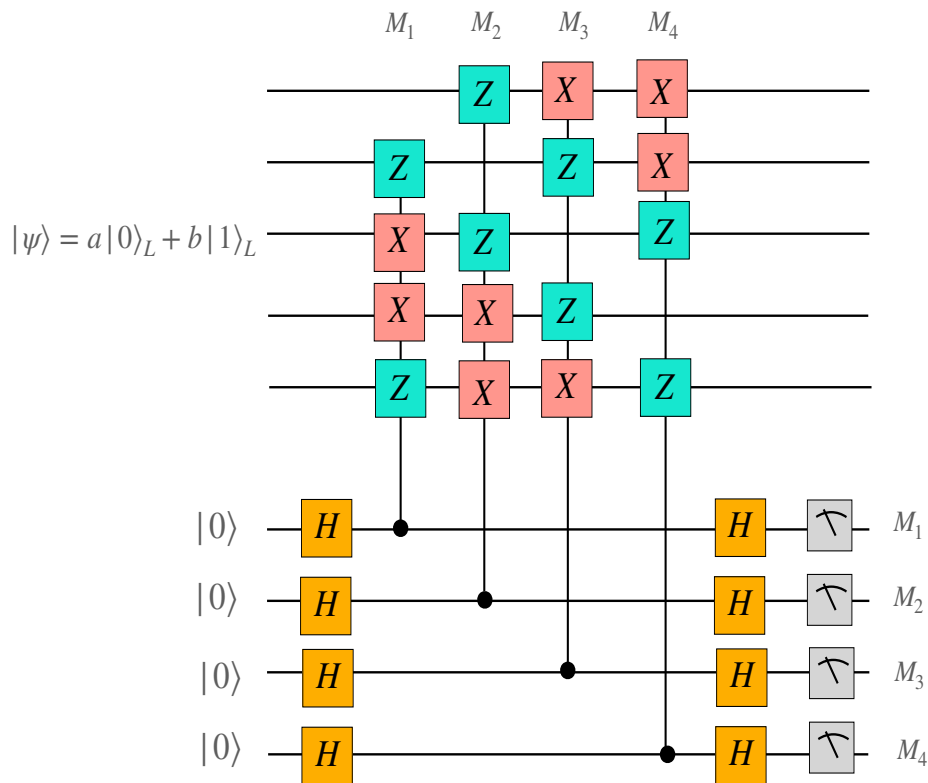
$$|0\rangle|\psi\rangle \rightarrow \frac{1}{\sqrt{2}}(|0\rangle|\psi\rangle + |1\rangle U|\psi\rangle) = \frac{1}{\sqrt{2}}(|0\rangle|\psi\rangle + \lambda|1\rangle|\psi\rangle)$$

واضح است که اگر خروجی کیوبیت اول این مدار را پس از اعمال یک گیت هادامارد، در پایه محاسباتی اندازه بگیریم، نتیجه 0 به معنای عدم وقوع خطا و نتیجه 1 به معنای وقوع خطاست.



شکل ۱۵: یک مدار ساده که تشخیص می دهد آیا حالت $|\psi\rangle$ برای پایدارساز S که یک عملگر یکانی است ویژه مقدارش یک است یا منهای یک.

با توجه به این مدار و این شیوه تشخیص ویژه مقدارهای پایدارسازها براحتی معلوم می شود که مدار تشخیص خطا برای کد پنج کیوبیتی مطابق شکل (۱۶) است.



شکل ۱۶: مدار تشخیص دهنده خطاها در کد پنج کیوبیتی.

۶ قدردانی

این درسی را حسین محمدی دانشجوی دانشکده فیزیک در آبان ماه ۱۴۰۱ به دقت خوانده و اشکالات متعدد آن را به من یادآوری کردند. برای این لطف بزرگ از ایشان تشکر می‌کنم. هم‌چنین از امیرحسین موحدی، دانشجوی این درس در ترم بهار سال ۱۴۰۴، برای تذکر چند اشتباه و رسم شکل شماره ۲ سپاسگزارم.